

## آداب شراب خوردن!

شرحی بر «آداب شراب خوردن» از کتاب  
«اخلاق ناصری» اثر خواجه نصیرالدین طوسی رحمته الله

➤ رضا صنعتی

[www.RezaSanati.IR](http://www.RezaSanati.IR)

ID @RezaSanati\_IR



**مقدمه:** ابوجعفر محمد بن محمد بن حسن  
طوسی مشهور به خواجه نصیرالدین طوسی  
(۵۷۹-۶۵۳ هـ) فقیه، متکلم، حکیم، فیلسوف،  
ستاره‌شناس، ریاضی‌دان، منجم، پزشک، عارف و  
معمار ایرانی بود. علامه حلی او را بافضیلت‌ترین  
شخصیت در زمانه خود در علوم عقلی و نقلی و در

عرصهٔ اخلاق او را به عنوان شریف‌ترین فردی معرفی کرده که تا به حال دیده است.

خواجه نصیرالدین از جمله مفاخر و علمای روشن‌بین شیعه بود که یکی از رسالت‌های مهم خویش را برقراری ارتباط با حاکمان و تأثیرگذاری بر شخصیت و رفتار آنها، می‌دانست. وی در زمان حملهٔ مغول به ایران در کنار ناصرالدین ابوالفتح عبدالرحیم ابی‌منصور (محتشم قهستان) در قلعهٔ کوه قاین به سر می‌برد.

خواجه به درخواست ناصرالدین، تصمیم گرفت تا ضمن افزودن دو فصل بر کتاب «تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق (الطهارة)» اثر حکیم کامل ابوعلی احمد بن محمد بن یعقوب ابن مسکویه آن را از عربی به فارسی برگرداند؛ از آنجا که نگارش این کتاب را به درخواست ناصرالدین ابوالفتح آغاز کرده بود، نام آن را «اخلاق ناصری» نهاد.

خواجه نصیر پس از مدتی به نزد اسماعیلیان در دژ الموت نقل مکان کرد و پس از حملهٔ مغول و انقراض حکومت اسماعیلیان، نزد هلاکوخان مغول رفته، مشاور و وزیر او شد.

آنچه سبب نگارش متن حاضر شده، آن است که خواجه نصیر در فصل چهارم از مقالهٔ دوم «اخلاق ناصری» بابتی را به «آداب شراب خوردن» اختصاص داده است. برخی عبارات این باب اما توهمی را در میان اصحاب ظاهر برانگیخته که خواجه علی‌رغم «فقاہت در شریعت» و «شرافت در اخلاق و حکمت» به ترویج رذیلتِ شربِ نجاست روی آورده است!

اما حقیقت ماجرا چیست؟

خواجه نصیرالدین به واسطه شخصیت ویژه خود با طیف گسترده‌ای از طبقات مختلف اجتماع در ارتباط بود.

### مخاطبان خواجه

شاید بتوان افرادی که با خواجه مرتبط بودند را به سه گروه کلی تقسیم کرد.

#### ۱. افراد مقید به احکام شرع و موازین اخلاق؛

علما، طلاب علوم دینی، متدینین جامعه - که به هیچ وجه به اختیار خود در مجالس گناه حاضر نمی‌شدند - و نیز بخشی از طالبان علمی که خواجه در آنها صاحب‌نظر بود، در این گروه جای داشتند.

#### ۲. اصحاب ثروت و قدرت؛ با توجه به ارتباطات

خواجه با حکومت و صاحب منصبان آن، به صورت طبیعی او با طبقاتی از جامعه مرتبط بود که چندان اهل مراعات امور شرعی نبودند؛ خواجه در سایه این ارتباط از حالات، تنگناها، گرفتاری‌ها، معضلات اخلاقی و عادات ناپسندی که دامنگیرشان بود، خبر داشت.

وی با نگاه واقع‌بینانه خویش می‌دانست که برخی اقشار جامعه و از جمله برخی اصحاب ثروت و قدرت، به احکام شرع، التزام چندانی ندارند.

او با نگاه تیزبین خویش و در سایه ارتباطات گسترده خود، از برگزاری مجالس عیش و نوش توسط آنها خبر داشت.

#### ۳. مسلمانان متوسط الایمان؛ خواجه نصیرالدین

با گروه دیگری از مردم و صاحب‌منصبان حکومتی نیز مواجه بود که نه از سطوح بالای تقوا و تقید برخوردار و نه اهل شتافتن به حضور در مجالس عیش و نوش و تخلف از احکام الهی بودند. آنها بعضاً با وجود عدم تمایل ابتدایی به شرکت در مجالس گناه، به دلایلی چون

رودربایستی با برخی اقوام، دوستان و آشنایان خویش یا به دلیل الزام حکومتی، به ناچار گاهی در مجالسی شرکت می‌جستند که در آنها برای پذیرایی از میهمانان، اسباب مستی نیز فراهم بود.

شاید خواجه نیز در نخستین گام‌های تجارب هدایتگری خویش، در گفتگو با مخاطبان خود به روش فقیهانه، آنها را به صورت مطلق از شرکت در چنین مجالسی منع کرده باشد اما با مشاهده سرپیچی برخی مردم از حکم شرع و مشاهده آسیبی که آنها به دین و دنیای خود می‌زدند، با حرصی که بر هدایت گمراهان داشته، به این نتیجه رسیده که از حکمت عملی و ادبیات اخلاقی نیز برای کاهش آسیب‌های اجتماعی، بهره برد.

او شاید از این نکته نیز نگران بود یا به این باور رسیده بود که در صورت اصرار بر استفاده از ادبیات فقیهانه در مواجهه با مجالس عیش و نوش و منع مطلق برخی اقشار از شرکت در مجالسی که در آنها شراب وجود دارد، نه تنها در بسیاری از موارد به حرف و سخن و توصیه‌اش عمل نخواهد شد، بلکه این احتمال و نگرانی وجود دارد که با این سبک از نهی از منکر، نفوذ کلامش در موضوعات مهم‌تر را نیز به کلی از دست بدهد؛ لذا در بیان «آداب شراب خوردن» کوشید تا با بهره بردن از لطایف‌الحیل، زمینه‌های شربِ خمر را در میان کسانی که با کراهت در آن مجالس شرکت می‌کنند و از این رو مورد نکوهشِ نفسِ لَوَّامَةُ خویش قرار می‌گیرند را به حداقل ممکن برساند.

تدبیر خواجه از این جهت قابل توجه است که یک حکیم فرزانه، مخاطب بیچاره خود را به خاطر تخطی از حرمت شرعی ورود به مجلس شراب، نه تنها به کلی طرد نمی‌کند، بلکه دستان او را چون پدري دلسوز و مهربان به گرمی فشرده، گام‌به‌گام به

او آموزش می‌دهد که از لحظه ورودت به چنین مجلسی با چه روشی به مقابله با خطراتی که ایمانت را تهدید می‌کند، پرداز!

\*\*\*

تلاش ما در متن پیش رو بر آن است تا با دقت در تک‌تک جملاتِ خواجه نصیرالدین در این باب، نشان دهیم که او برخلاف عنوانی که برای این متن برگزیده، چگونه با هر جمله‌اش در صدد مقابله با مستی حاصل از آلودن دهان به نجاستِ شراب، برآمده است.

برای رسیدن به این هدف، جملات خواجه نصیرالدین طوسی در این باب را به ۲۷ بند تقسیم کرده، برای هر بند، توضیحی کوتاه می‌نویسم:

۱. «چون در مجلس شراب حاضر شود، نزدیکِ افضلِ ابنایِ جنسِ خود نشیند.»

در این عبارات خواجه توصیه می‌کند که اگر در مجلس شراب قرار گرفتی، همان ابتدای ورود به حاضران در مجلس بنگر و با فضیلت‌ترین انسانی که در مجلس حاضر است را پیدا کرده، نزد او بنشین. وقتی در کنار چنین شخصیتی نشستی، ادبِ محضرِ او، مانع از ارتکابِ رفتارهای بی‌خردانه و کاهشِ گرایش به نوشیدن شراب در تو خواهد شد.

۲. «و از آنکه در پهلوی کسی نشیند که بسفاهت موسوم بُود، احتراز کند.»

از آنجا که اصل شرکت در مجلس شراب، عملی سفیهانه (احمقانه) است، نشستن در کنار آدمی سفیه نیز سفاهت شخص را مضاعف خواهد کرد و سرعت مبادرت به شُربِ خمر که آن نیز اوج سفاهت است را مضاعف خواهد کرد و نتیجه چیزی جز «سفاهت در سفاهت در سفاهت»

نخواهد بود. لذا یکی از بهترین راه‌های پیش‌گیری از مستی در چنین مجلسی، آن است که اگر نتوانست در کنار آدمی بافضیلت بنشیند لاقلاً از نشستن در کنار یک انسان سفیه خودداری ورزد.

**۳. «و بحکایات ظریف و اشعار ملیح که بوقت و حال مناسبت داشته باشد، مجلس خوش دارد.»**

انسان پس از آنکه در کنار شخصی نشست، طبیعتاً باید از طریق گفتگو با وی اوقات خویش را مدیریت کند؛ لذا در گام بعد، انتخاب موضوعی برای گفت‌وگو اهمیت پیدا می‌کند. موضوعی که بتواند وسوسه سرخوشی حاصل از خوردن شراب را به حاشیه براند و در عین حال اوقات انسان را خوش گرداند. لذا خواجه در این مرحله، پیشنهاد می‌کند که بهترین موضوع برای گفت‌وگو، نقل حکایات ظریف و اشعار ملیح است. چرا که هیچ چیز به اندازه آنها نمی‌تواند کام‌ترا شیرین و خاطرت را مشغول دارد.

**۴. «و از ترش‌رویی و قبض تجنب نماید.»**

ترش‌رویی و گرفتگی، مانع از توجه به شعر و حکایات ظریف است؛ به قول حافظ:

کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد؟

یک نکته از این معنا گفتیم و همین باشد

آدم ترش‌رو، حال ناخوشی دارد و اگر با چنین حالی همنشین شراب شود، بعید است که بتواند چشمک شیطان را برای دعوت به سرخوش شدن از نوشیدن شراب رد کند؛ بر همین اساس خواجه برای پیش‌گیری از این وسوسه، توصیه می‌کند که از ترش‌رویی و گرفتگی دوری کن.

۵. «و اگر از جماعت، بسال یا برتبه کمتر بُود،  
باستماع مشغول باشد.»

در این عبارات خواجه توصیه می‌کند که به سن و سال و نیز به مقام و جایگاه افراد حاضر در مجلس نگاه کن؛ اگر سن و سال یا مقام و جایگاه خودت را از آنها کمتر دیدی، گوشه ساکت بنشین و مشغول گوش دادن به حرف‌ها و سخنان ارزشمند دیگران شو. نکند علی‌رغم خامی، جوانی و پایین‌تر بودن رتبه‌ات به مجلس گردانی روی آوری.

۶. «و اگر مطرب حاضر بُود، در حکایات  
خوض نکند.»

از آنجا که خواجه در جمله قبل بر اشتغال به استماع تأکید کرده بود، اینک این تذکر را می‌دهد که چون در بسیاری از مواقع در چنین مجالسی، مطربی هم مشغول نواختن موسیقی و خواندن اشعار لهوی است، پس اگر چنین شرایطی بر مجلس حاکم بود، در کیفیت اجرای مُطربِ غوطه‌ور مشو؛ چرا که ممکن است آن اجرای طرب‌انگیز، گرایش تو به مستی را افزایش دهد.

۷. «و باید که سخن بر ندیم قطع نکند.»

خواجه با این عبارت به این حقیقت اشاره می‌کند که برای غوطه‌ور نشدن در حکایاتِ مطرب، چاره‌ای جز قطع نکردن گفت‌وگو با همنشین نیست؛ باید پیوسته گرم گفت‌وگو با همنشین خود بود تا بتوان از آنچه مُطرب اجرا می‌کند، غافل شد.

۸. «و در همهٔ احوال، اقبال بر مهترِ اهلِ  
مجلس کند و استماع سخن او را شاید؛ بی‌آنکه  
بدیگران بی‌التفاتی کند.»

سه احتمال برای منظور خواجه از این عبارت، می‌توان تصور کرد.

اول آن که او، عطف بر اولین توصیه‌ای که در این متن داشت و به نشستن در کنار «افضل ابنای جنس خود» تصریح کرد، اکنون به آن توصیه این نکته را می‌افزاید که در همه حالات خود، توجهت به همان شخصیت به عنوان بزرگ‌ترین شخصیت موجود در مجلس باشد؛ لذا بدون آن که به دیگران بی‌توجهی کنی، به سخنان او گوش کن.

دوم آن که ممکن است به علت دیر رسیدن به مجلس، پیش از تو اشخاص دیگری نزد همو که با تعبیر «افضل ابنای جنس خود» از او یاد کردیم، نشسته باشند و تو نتوانی در کنارش بنشینی؛ لذا در این صورت، بدون بی‌توجهی به دیگران سعی کن همواره به او توجه کنی و مشغول گوش دادن به حرف‌هایش شوی.

سوم آن که منظور خواجه از «مِهترِ اهلِ مجلس»، میزبان آن جمع باشد؛ لذا توصیه می‌کند که به اقتضای ادب، بدون آن که به دیگران بی‌توجهی کنی، هرگاه میزبان مجلس سخنی گفت به کلامش گوش کن.

۹. «باید که بهیچ حال چندان مقام نکند که مست گردد که در دین و دنیا هیچ چیز با مضرت‌تر از مستی نبُود، چنانکه هیچ فضیلت و شرف زیاده از خردمندی و هوشیاری نباشد.»

خواجه نصیرالدین طوسی به عنوان یک فقیه حکیم، اصلی‌ترین و مهم‌ترین حرف خود را در قالب عبارات فوق بیان کرد. او به صراحت گفت: به هر شکلی که ممکن است مواظب باش که مست نشوی چرا که در دنیا و آخرت ضرر هیچ چیز به اندازه ضرر مستی نیست. همچنان که هیچ فضیلت و شرفی بالاتر از خردمندی و هوشیاری نیست و این دو فضیلت با مستی جمع نمی‌شوند.



این عبارت خواجه محوری‌ترین سخن او در این باب است. سخنی که فهم بندهای قبل و بعد را تحت تأثیر خود قرار داده است.

**۱۰. «پس اگر ضعیفِ شراب بُود، اندک خورد  
یا ممزوج کند یا از مجلس برخیزد سبکتر.»**

در شاکلهٔ شخصیتی هرکس ممکن است علی‌رغم اعتقاد به خدا و حقانیت دستورات اسلام، گرایش به یک یا چند گناه خاص غلبه یافته باشد؛ او از ضعف و شکست خود در مقام ایستادگی در برابر آن گناه ناراحت است و به دنبال راهکاری برای تقویت ارادهٔ خویش در برابر آن می‌گردد. خواجه نصیرالدین در عبارات بالا از کسانی که نقطه ضعف‌شان در برابر وسوسهٔ شراب‌خواری است با تعبیر «ضعیفِ شراب» یاد می‌کند و با توجه به مضرات دنیوی و اخروی شراب که در بندِ قبل به آنها اشاره کرد، خطاب به «ضعیفِ شراب»‌ها، می‌گوید: چون تو از آن آدم‌هایی هستی که تاب مقاومت در برابر جلوه‌گری‌های شیطانی شراب را ندارند، اگر در مجلس شراب قرار گرفتی یکی از این سه کار را انجام بده: یا کم بخور یا شراب را با چیز دیگری قاطی کن تا اثرش در مست کردن تو کمتر شود و یا زودتر تا افراط نکرده‌ای با حالت سبک، از مجلس شراب برخیز و خارج شو.

**۱۱. «و اگر پیش از آنکه بمقام احتیاط رسد  
حریفان مست شوند، جهد کند تا از میان ایشان  
پیرون آید یا حيله آن کند که مست از میان  
جماعت پیرون شود.»**

خواجه در این عبارت توصیه می‌کند که اگر در مجلس شرابی قرار گرفتی و قبل از آنکه تو بخواهی احتیاط کنی و یکی از سه روشی که در بند قبل به تو آموختم را اجرا کنی، دیگران مست شوند، تلاش کن

تا یکی از این دو کار را انجام بدهی؛ یا با توجه به این که آنها مَسْتَنَد و متوجه تو نمی‌شوند، از مجلس خارج شو؛ و یا خودت را از روی حُقّه و کلک به مستی بزن و با درآوردن ادای آدم‌های مست از جمع آنها بیرون شو.

## ۱۲. «و در حدیث مستان خُوض نکند.»

خواجه در این بند، به این نکته مهم اشاره می‌کند که اگر در میان جمعی از مَسْتان گرفتار شدی، آنچنان به تماشای حال آنها غوطه‌ور مشو که از حال دل خویش غافل شوی. به قول سعدی شیرازی:

هرگز وجودِ حاضرِ غایب شنیده‌ای؟

من در میان جمع و دلم جای دیگر است

این سفارشِ خواجه نصیرالدین از آن جهت مهم است که خُوض و غوطه‌ور شدن در حالِ مستان و توجه شدید به کارهایی که آنها در آن حال انجام می‌دهند، باعث غفلت از یاد خدا و در نتیجه گرایش به ارتکاب گناه شده، ترا در آستانه رفتن به سمت مستی یا ارتکاب گناهی دیگر قرار خواهد داد.

## ۱۳. «و بتوسط ایشان مشغول نشود مگر که بخصومت انجامد؛ آنگاه ایشان را از یکدیگر بازدارد.»

خواجه با توجه به اثر شراب در خارج کردن انسان از حال اعتدال، توصیه می‌کند که گرچه تو هُشیاری از وارد شدن در میان مَسْتان خودداری کن و بین آنها قرار نگیر؛ مگر آن که در حال مستی به دعوای با یکدیگر مشغول پردازند؛ در آن صورت پیش از آن که به یکدیگر آسیب رسانند، آنها را از هم جدا کن.

۱۴. «و اگر بر شراب خوردن قادر بُوَد التماس  
زیاده بر آنچه دور می گردد، نکند.»

خواجه بار دیگر «ضعیفِ شراب»ها را مورد  
خطاب قرار داده، می نویسد: اگر ظرف شرابی  
برداشتی و به هر شکل نوشیدی، بیش از آنچه به  
خطا برداشتی، مجدداً درخواست مکن.

چرا که همان یک جرعه نیز انحراف از مسیر  
هشیاری و خردمندی است و هر جرعه و پیمانه‌ای  
که اضافه کنی راه توبه و اصلاح عادت را بر خود  
دشوارتر کرده‌ای لذا جلوی ضرر و زیاده‌روی را  
هرچه زودتر بگیری، شایسته‌تر است.

۱۵. « و اصحاب را بدان تکلیف نفرماید.»

خواجه با عبارت فوق به «ضعیفِ شراب»ها  
خطاب می کند که اگر دهان خود به شراب آلودی،  
به دیگران چه کار داری که آنها را نیز به گناه خویش  
آلوده کنی و به شراب خوردن دعوتشان نمایی؟! آیا  
سنگینی گناه خود، ترا کافی نیست که بخشی از بار  
گناه دیگران را نیز بر دوش کشی؟!

۱۶. «و اگر یکی از ندماء از شراب خوردن عاجز  
شود بر او عنف نکند.»

گاهی برخی از «ضعیفِ شراب»ها همزمان با  
مستی و تهی شدن از هوش و خرد، به «تعاون بر  
اثم و عدوان» روی می آورند و حتی در حالی که  
همنشینش اعلام می کند که تمام ظرف وجود خود  
را از نجاست انباشته است، به پیروی از شیطان بدو  
اصرار می ورزد که جرعه و پیمانه‌ای دیگر بر آن  
بیافزای! خواجه که علاوه بر حکمت، دستی هم بر  
طب دارد، با عبارات فوق، نسبت به مضرات این  
عمل بر جسم و جان بی خردان هشدار می دهد.

۱۷. «و اگر غثیان غلبه نماید در میان مجلس آن را مدافعه کند بر وجهی که اصحاب وقوف نیابند، یا در حال بیرون آید و چون قی کند بمجلس معاودت ننماید.»

خواجه در این عبارت توصیه می‌کند که اگر احساس قی کردن و حال استفراق به تو دست داد، یا به گونه‌ای که همنشینانت متوجه نشوند، آنچه خورده‌ای را در همانجا از معده‌ات بیرون بریز؛ یا فوری از مجلس بیرون بیا و پس از آن که استفراق کردی، دیگر به آن مجلس برنگرد.

۱۸. «و میوه و ریحان از پیش یاران بر ندارد و نُقل بسیار نخورد.»

خواجه نصیرالدین طوسی از این عبارت به بعد، مجدداً خطاب خود را از «ضعیفِ شراب»ها برگردانده، مخاطبان بیشتری را به رعایت برخی آداب معاشرت دعوت می‌کند؛ از جمله توصیه می‌کند که از مقابل دیگران میوه و ریحان بر ندارند و در خوردن نُقل و شیرینی زیاده روی نکنند.

۱۹. «و هریکی را از حریفان بتحیتی که لایق او بُود مخصوص گرداند.»

خواجه در ادامه توصیه‌های خود، یکی دیگر از آداب معاشرت را یادآور شده؛ سفارش می‌کند که با هر کس، مطابق با شأن و لیاقت او برخوردِ محترمانه داشته باش و در این رابطه از افراط و تفریط پرهیز.

۲۰. «و باید که بانفرد سبب انس و سلوت و نشاط اهل مجلس نشود، چه این معنی مستدعی قلت وقع بُود و از مجلسِ بسیار برنخیزد.»

از دیگر آداب معاشرتی که خواجه رعایت آن را مورد توصیه قرار می‌دهد، آن است که به تنهایی

مسئولیت مجلس گردانی را برعهده نگیر؛ چرا که این عمل هم باعث تنزل جایگاه تو خواهد بود و هم اینکه اگر مجلس شلوغ باشد، تو نمی‌توانی همه را راضی نگه داری.

**۲۱. «و اگر صاحب‌جمالی حاضر بُود در او بسیار نظر نکند اگرچه با او گستاخ باشد، و با او سخن بسیار نگوید.»**

از جمله اموری که موجب تشدید وسوسهٔ شیطان به نوشیدن مسکرات است، حضور افراد خوش‌چهره در چنین مجالسی است. خواجه توصیه می‌کند که اگر چنین فردی در مجلس بود، حتی اگر تو با او راحت باشی، زیاد به وی نگاه نکن و گرم صحبت با او مشو؛ چرا که توجه به زیبارویان در مجالس شراب باعث افزایش وسوسه در نوشیدن مسکرات و خروج از حد هوش و خرد خواهد شد.

**۲۲. «و از ارباب ملاحی التماس لحنی که طبع او بدان مایل بُود، نکند.»**

گاهی از لحنِ خوانندگیِ مطربان و صاحبانِ آلاتِ لهو، در دل انسان گرایش به گناه ایجاد می‌شود؛ لذا خواجه سفارش می‌کند که اگر در مجلسی حضور داری که در آن شراب در دسترس است، از صاحبانِ آلاتِ لهو نخواه تا اجرایی طرب‌انگیز به شکلی که هوای نفست به وجد آید، داشته باشند؛ چرا که در آن صورت گرایش به گناه، شهوت و مستی در تو افزایش خواهد یافت و چه بسا قدرت کنترل بر خود را از دست بدهی و بر تو آن رود که نباید.

۲۳. «و چون بحدی رسد که داند، برخیزد و جهد کند تا بمقام معهود خود شود.»

خواجه در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که اگر در آن مجلس، حال تو یا در اثر کیفیت اجرای صاحبانِ آلاتِ لهُو به‌گونه‌ای تغییر کرد که از اعتدال خارج شدی، بلند شو و برای بازگشت به حال عادی خویش تلاش کن.

۲۴. «و اگر نتواند، بموضعی شود که از مجلس دور بُوَد؛ آنجا بخوابد.»

خواجه می‌گوید اگر علی‌رغم تلاشی که انجام می‌دهی، نتوانی به حال عادی خویش بازگردی، به جایی برو که از آن مجلس فاصله دارد و در آنجا بخواب. چرا که آن دوری و این خواب سبب بازگشت آرامش به تو خواهد شد.

۲۵. «و تا تواند در مجلس مُلوك یا کسانی که اکفای او نباشند یا کسانی که با ایشان مباسطی نیفتاده باشد حاضر نشود. و اگر ضرورت افتد زود بیرون آید.»

خواجه گویا با دلی پردرد به صورت کلی توصیه می‌کند: تا می‌توانی در مجلس پادشاهان، صاحب منصبان، اصحاب قدرت و ثروت و کسانی که هم‌سطح تو نیستند و نیز کسانی که با آنها احساس یکرنگی نداری، حاضر نشو و اگر مجبور به حضور در چنین مجالسی شدی، در اولین فرصت از آن خارج شو.

۲۶. «و البته در مجلس سفهاء نرود.»

خواجه همچنین بر این نکته نیز تأکید می‌کند که حرف قبل من، بدان معنا نیست که در مجلس آدم‌های سفیهی که عقل و خرد آنها از تو کمتر است، شرکت کنی.

۲۷. «و اگر وقتی از مستی خائف باشد و ندّماء  
اقتراح اقامت کنند، شاید که بتساگر و یا حیلتی  
دیگر، از مجلس بیرون آید.»

خواجه نصیر در آخرین کلام خود سفارش می کند  
که اگر از این می ترسی که ماندنت در مجلس شراب،  
سبب آلوده شدن به مستی شود و همنشینانت نیز  
از تو می خواهند که در آنجا بمانی، شاید با انجام یکی  
از این دو کار بتوانی از گناهی که ترا تهدید می کند،  
فرار کنی:

یا خود را به مستی بزن و به این بهانه بیرون رو؛  
یا کلک و حيله‌ای سوار کن و به آن بهانه از  
مجلس خارج شو.

والسلام

۷ اردیبهشت ۱۴۰۳